



DOI: <https://doi.org/10.22034/isqs.2026.51949.2401>

Print ISSN: X2588-414

Online ISSN: X2783-5081

Pages: 1-28

Received: 2025.5.13

Accepted: 2025.11.5

### Original Research

## A Functional Linguistic Analysis of Surah Luqman: An Approach Based on Roman Jakobson's Communication Model

**Mohammad Mahdi Shahmoradi Fereidouni**<sup>1</sup>  ✱

Associate Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, University of Mazandaran , Babolsar, Iran (Corresponding Author).

**Zahra Esfandiari**<sup>2</sup> 

M.A. in Qur'an and Hadith Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

### Introduction

Surah Luqman, the thirty-first chapter of the Qur'an, is suitable for linguistic and communicative analysis because it brings together wisdom, monotheism, gratitude, individual and social ethics, and the pedagogical dialogue between Luqman and his son. The surah presents theological instruction, ethical counsel, natural signs, eschatological warning, and paternal advice in a multilayered communicative form. This study analyzes its linguistic functions through Roman Jakobson's communication model. The central question is how the surah, through its linguistic devices,

---

<sup>1</sup> mm.shahmoradi@umz.ac.ir

<sup>2</sup> esfandiari.umz403@gmail.com

establishes effective communication between the sender, namely God, and the direct receivers of the text, namely human addressees, while conveying divine concepts in a layered structure. Jakobson's model is applied not as a comprehensive exegetical theory, but as a linguistic framework for examining communication elements and language functions.

### Materials & Methods

This research adopts a descriptive-analytical method. It first outlines Jakobson's six communication elements—sender, receiver, message, context, code, and channel—and the corresponding language functions: referential, emotive, phatic, metalingual, conative, and poetic. The Arabic text of Surah Luqman is then analyzed through linguistic, semantic, and contextual indicators. Functional attribution is not treated as thematic labeling. Each function is identified through morpho-syntactic evidence, such as declarative sentences, imperatives, prohibitions, vocatives, diminutive forms, emphasis, and repetition; semantic evidence, such as reporting, commanding, warning, defining, or aesthetic expression; and contextual evidence, namely the relation of each verse to its surrounding discourse. When several functions occur simultaneously, the study distinguishes between the dominant function and subsidiary functions.

### Discussion & Results

The findings show that Surah Luqman employs several language functions in an interconnected manner. The referential function is prominent in verses that describe creation, divine knowledge, natural signs, and the final destiny of human beings. References to the heavens, night and day, the sun and moon, and ships at sea direct the addressee toward observable signs of divine order. The phrase "Indeed, God is Subtle, All-Aware" in verse 16 is also referential and explanatory, since it grounds God's knowledge of hidden deeds in divine attributes.

The emotive function appears in a limited and subsidiary form, especially in the address "Yā bunayya" ("O my dear son"). This expression combines a vocative structure with a diminutive form and, in the context of a father-son dialogue, conveys affection, tenderness, and paternal care. Yet the surrounding verses are usually dominated by the conative function because they command or prohibit specific actions. The phatic function is also realized through the repeated "Yā bunayya," which establishes and maintains the communicative bond between Luqman and his son. Thus, this expression overlaps with the emotive function: it conveys affection while sustaining the channel of moral instruction.

The metalingual function is limited and must be identified cautiously. A defensible case appears in the statement "Indeed, shirk is a great injustice." The prohibition "Do not associate anything with God" is primarily conative, but the following statement clarifies the meaning and nature of shirk by defining it as a grave injustice. Thus, the metalingual role is subsidiary rather than dominant.

The conative function is highly prominent in commands and prohibitions, including the prohibition of shirk, the command to be grateful, the establishment of prayer, enjoining right, forbidding wrong, patience, moderation in walking, and lowering the voice. These structures orient the addressee toward belief, worship, ethical conduct, and social responsibility. The poetic function appears

through rhythm, brevity, repetition, imagery, and rhetorical force, especially in the comparison of the harshest voices to the voice of donkeys.

Jakobson's communication elements also operate coherently in the surah. The sender is God, who communicates through revelation and the reported speech of Luqman. The receivers are human addressees, including general audiences, Luqman's son, and those who turn away from guidance. The message includes monotheism, gratitude, humility, responsibility, and awareness of the Hereafter. The context is the Meccan religious and moral environment. The code is Qur'anic Arabic, characterized by eloquence and brevity, and the channel includes revelation, recitation, and pedagogical dialogue.

### **Conclusion**

Surah Luqman demonstrates the coexistence of referential, conative, emotive, phatic, poetic, and limited metalingual functions in religious discourse. The analysis shows that a precise functional reading requires linguistic, semantic, and contextual evidence and a distinction between dominant and subsidiary functions. Jakobson's model, when applied with methodological caution, clarifies how linguistic form, semantic content, and communicative purpose interact in the Qur'anic text.

### **Keywords**

Surah Luqman, Roman Jakobson, communication model, linguistic functions, Qur'anic linguistics, religious discourse.



DOI: <https://doi.org/10.22034/isqs.2026.51949.2401>

شاپای چاپی X2588-414

شاپای الکترونیکی X2783-5081

صفحات: ۲۸-۱

دریافت: ۱۴۰۴/۲/۲۳

پذیرش: ۱۴۰۴/۸/۱۴

### مقاله پژوهشی

## تحلیل کارکردهای زبانی در سوره لقمان؛ رهیافتی مبتنی بر مدل ارتباطی یا کوبسن

دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران  
(نویسنده مسئول)

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و  
معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران،

محمد مهدی شاهمرادی فریدونی<sup>۳</sup> 

زهرا اسفندیاری<sup>۴</sup> 

### چکیده

سوره لقمان از سوره‌هایی است که به دلیل تمرکز بر مفاهیمی چون حکمت، توحید، شکرگزاری، اخلاق فردی و اجتماعی و نیز بهره‌گیری از گفت‌وگوی تربیتی میان لقمان و فرزندش، ظرفیت قابل توجهی برای تحلیل زبان‌شناختی

<sup>۳</sup> mm.shahmoradi@umz.ac.ir

<sup>۴</sup> esfandiari.umz403@gmail.com

و ارتباطی دارد. این مقاله با استفاده از نظریه ارتباطی رومن یاکوبسن (۱۸۹۶-۱۹۸۲)، به تحلیل کارکردهای زبانی سوره لقمان پرداخته است. مسئله اصلی تحقیق این است که چگونه سوره لقمان با بهره‌گیری از ابزارهای زبانی، ارتباط مؤثر میان فرستنده، یعنی خداوند و گیرندگان مستقیم متن، یعنی مخاطبان انسانی، برقرار کرده و مفاهیم الهی را در قالبی چندلایه منتقل می‌کند. روش پژوهش توصیفی تحلیلی بوده و بر اساس تحلیل سوره لقمان، عناصر ارتباطی و شش کارکرد زبانی یاکوبسن، یعنی ارجاعی، عاطفی، تماسی/هم‌دلی، متازبانی، ترغیبی/کنشی و ادبی بررسی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که کارکردهای زبانی در سوره لقمان بر اساس شواهد زبانی- صرفی و نحوی، شواهد معنایی و شواهد سیاقی قابل تشخیص‌اند و در موارد هم‌زمانی چند کارکرد، باید میان کارکرد غالب و کارکردهای فرعی تفکیک کرد.

## واژگان کلیدی

سوره لقمان، رومن یاکوبسن، کارکردهای زبانی، تحلیل ارتباطی، زبان‌شناسی قرآن.

## مقدمه

قرآن کریم، به‌عنوان کتاب هدایت الهی، سرشار از آموزه‌هایی است که با بهره‌گیری از زبان و بلاغت بی‌نظیر، مخاطبان خود را به تفکر، تدبر و عمل به دستورات الهی فرا می‌خواند. در میان سوره‌های این کتاب آسمانی، سوره لقمان با محتوای غنی و ساختار ویژه خود به‌طور خاص به موضوعات مهمی همچون حکمت، توحید، شکرگزاری، اخلاق و معاد پرداخته است. این سوره از یک سو با نصایح حکیمانه لقمان و از سوی دیگر با بیانات الهی در موضوعات اعتقادی، اخلاقی، کیهانی و معادشناختی، پیامی چندلایه و هدایت‌گر ارائه می‌دهد.

با توجه به اهمیت زبان به‌عنوان ابزار انتقال پیام، تحلیل کارکردهای زبانی در سوره لقمان می‌تواند دیدگاه‌های جدیدی را در فهم پیام‌های آن ارائه دهد. در این راستا، نظریه ارتباطی رومن یاکوبسن<sup>۵</sup> که بر تحلیل عوامل ارتباطی و کارکردهای زبان تمرکز دارد، می‌تواند چارچوبی مناسب برای بررسی بخشی از ظرفیت‌های زبانی و ارتباطی سوره لقمان فراهم کند. البته این نظریه، همانند هر نظریه زبان‌شناختی دیگر، تنها از زاویه‌ای خاص به متن می‌نگرد

<sup>۵</sup> Jakobson, R<sup>۵</sup>

و مدعی تبیین همه ابعاد معنایی، تفسیری و بلاغی قرآن نیست؛ از این رو، در این پژوهش از آن به عنوان ابزاری برای تحلیل کارکردهای زبانی سوره استفاده می‌شود.

مسئله اصلی این پژوهش آن است که چگونه سوره لقمان با بهره‌گیری از کارکردهای زبانی و بلاغی توانسته است ارتباطی مؤثر و چندلایه با مخاطبان انسانی برقرار کند و در سطح هدایت عام قرآنی، مخاطب را به سوی تفکر، ایمان و عمل اخلاقی فراخواند. بررسی این موضوع، نه تنها به درک بهتر نقش زبان در قرآن کمک می‌کند، بلکه اهمیت هماهنگی میان عوامل ارتباطی و کارکردهای زبانی را در انتقال پیام‌های الهی روشن می‌سازد.

### روش‌شناسی

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. ابتدا شش عنصر ارتباطی یاکوبسن، شامل فرستنده، گیرنده، پیام، بافت، رمز و مجرای ارتباط، و نیز کارکردهای متناظر زبان، یعنی کارکردهای ارجاعی، عاطفی، همدلی (برقراری ارتباط)، فرازبانی، ترغیبی و ادبی معرفی می‌شوند. سپس متن عربی سوره لقمان بر اساس شاخص‌های زبان‌شناختی، معنایی و بافتی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

در این پژوهش، انتساب هر کارکرد صرفاً بر پایه موضوع آیات انجام نمی‌شود، بلکه بر اساس شواهد گوناگون صورت می‌گیرد. این شواهد شامل قرائن صرفی و نحوی، مانند جمله‌های خبری، امر، نهی، ندا، صیغه‌های تصغیر، تأکید و تکرار؛ شواهد معنایی، مانند گزارش، فرمان، هشدار، تعریف یا بیان زیبایی‌شناختی؛ و نیز شواهد بافتی، یعنی ارتباط هر آیه با آیات پیش و پس از آن، است. همچنین، در مواردی که چند کارکرد به‌طور هم‌زمان در یک آیه حضور دارند، میان کارکرد غالب و کارکردهای فرعی تمایز گذاشته می‌شود.

### مبانی نظری

تحلیل متون دینی، به‌ویژه قرآن کریم، از منظر زبان‌شناسی و نظریات ارتباطی، به فهم بهتر مفاهیم و ساختارهای بلاغی آن کمک می‌کند. در این پژوهش، نظریه ارتباطی رومن یاکوبسن به عنوان چارچوبی مفهومی برای بررسی کارکردهای زبانی در سوره لقمان انتخاب شده است.

نظریه ارتباطی<sup>۶</sup> رومن یاکوبسن

ارتباط زبان، انتقال خبر از یک نقطه به نقطه دیگر است. «هر وقت ارتباطی برقرار شود، اجزایی که در انتقال خبر دخالت دارند، یک دستگاه ارتباطی به وجود می‌آورد» (باطنی، ۱۳۷۰: ص ۱۲۰). یکی از این الگوها، الگو ارتباطی یاکوبسن است. او، زبان‌شناس برجسته قرن بیستم، با ارائه مدل ارتباطی خود، زبان را به‌عنوان ابزاری پویا و چندوجهی برای برقراری ارتباط تحلیل کرده است. این مدل، شش عامل اصلی را در فرایند ارتباط معرفی می‌کند:

- فرستنده<sup>۷</sup>: تولیدکننده پیام که قصد انتقال مفهوم را دارد.
- گیرنده<sup>۸</sup>: دریافت‌کننده پیام که هدف فرایند ارتباطی است.
- پیام<sup>۹</sup>: محتوای ارتباط که انتقال آن هدف اصلی فرایند است.
- زمینه<sup>۱۰</sup>: شرایط و محیطی که پیام در آن ارسال می‌شود.
- کد<sup>۱۱</sup>: زبان یا نظام نشانه‌ای که برای انتقال پیام استفاده می‌شود.
- کانال<sup>۱۲</sup>: وسیله‌ای که پیام از طریق آن منتقل می‌شود.

هر یک از این عوامل با یکی از کارکردهای زبانی مرتبط است که شامل کارکردهای ارجاعی، عاطفی، تماسی/هم‌دلی، متازبانی، ترغیبی/کنشی – که در برخی ترجمه‌ها دستوری نیز خوانده شده است – و ادبی است. او معتقد است در کنش ارتباطی، نخست فرستنده پیامی را برای گیرنده می‌فرستد. این پیام برای اینکه بتواند مؤثر باشد باید به موضوعی یا مصداقی اشاره کند. موضوع باید برای گیرنده قابل‌درک باشد. همچنین رمزگانی که برای فرستنده و گیرنده که رمزگذار و رمزگردان پیام هستند، شناخته‌شده باشد، نیز نیاز است. سرانجام به کانالی نیاز است که به فرستنده و گیرنده پیام امکان می‌دهد تا ارتباطی برقرار کنند (ر.ک: یاکوبسن، ۱۳۸۰: ص ۹۱). بر این اساس، تفاوت کارکرد عاطفی و هم‌دلی در آن است که کارکرد عاطفی بیشتر بیانگر احساس و نگرش فرستنده است، اما کارکرد هم‌دلی به حفظ رابطه ارتباطی و استمرار تماس میان فرستنده و گیرنده مربوط می‌شود. در الگوی یاکوبسن، کارکرد

---

<sup>6</sup> Communicative Theory

<sup>7</sup> Sender

<sup>8</sup> Receiver

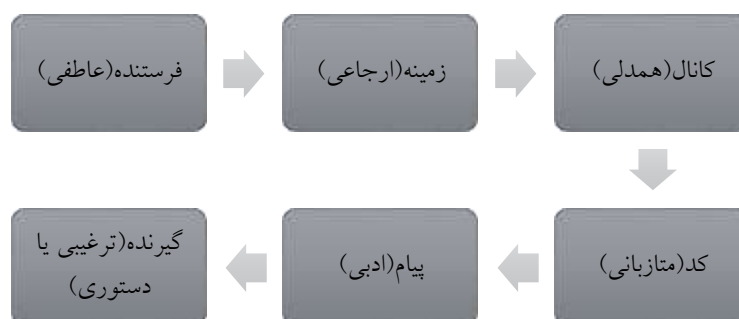
<sup>9</sup> Message

<sup>10</sup> Context

<sup>11</sup> Code

<sup>12</sup> Channel

عاطفی ناظر به فرستنده پیام است و هنگامی برجسته می‌شود که زبان، نگرش، عاطفه، ارزیابی یا حالت درونی گوینده را آشکار کند. در مقابل، کارکرد تماسی یا هم‌دلی ناظر به کانال ارتباط است و هدف آن ایجاد، حفظ، استمرار یا تقویت رابطه میان فرستنده و گیرنده است. بنابراین، خطاب‌هایی مانند «یا بُنَّیَّ» از یک سو می‌توانند به دلیل ایجاد رابطه صمیمانه میان گوینده و مخاطب، کارکرد تماسی داشته باشند و از سوی دیگر، به سبب ساخت تصغیر و بار محبت‌آمیز، واجد کارکرد عاطفی فرعی نیز باشند. اما گزاره‌های خبری مانند «إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ» در اصل عاطفی یا تماسی نیستند، بلکه در سیاق آیه، نقش خبری، تعلیلی و ارجاعی دارند. این کارکردها به توصیف جنبه‌های مختلف انتقال پیام و تأثیرگذاری آن می‌پردازند.



نمودار ۱: زنجیره اجزای نظریه ارتباطی یاکوبسن و کارکردهای آن (یاکوبسن، ۱۳۸۰: ص ۹۱-۹۳).

در این نمودار، هر کارکرد زبانی بر پایه برجستگی یکی از عوامل ارتباطی تعیین شده است: برجستگی زمینه، کارکرد ارجاعی را پدید می‌آورد؛ برجستگی فرستنده، کارکرد عاطفی را؛ برجستگی گیرنده، کارکرد ترغیبی/کنشی را؛ برجستگی پیام، کارکرد ادبی را؛ برجستگی رمز، کارکرد متا‌زبانی را؛ و برجستگی کانال، کارکرد تماسی یا هم‌دلی را. بنابراین، نسبت میان عامل و کارکرد، قراردادی و سلیقه‌ای نیست، بلکه بر مبنای قانون توجه پیام در فرایند ارتباط تعیین می‌شود.

### معرفی سوره لقمان

سوره لقمان، سی و یکمین سوره قرآن کریم، از جمله سوره‌های مکی است (سیوطی، ۱۹۷۴: ج ۱، ص ۱۳؛ معرفت، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۱۷۶)، که با محتوای غنی و سبک بی‌نظیر خود به موضوعات متنوعی همچون حکمت، اخلاق، توحید، شکرگزاری، و معاد پرداخته است. این سوره دارای ۳۴ آیه و نام آن برگرفته از شخصیت لقمان، حکیمی

الهی است که بخشی از آیات به نصایح او به فرزندش اختصاص دارد. (جعفری، ۱۳۹۸: ج ۸، ص ۳۶۵) ساختار و محتوای این سوره نشان‌دهنده اهمیت تعلیم و تربیت، ارتباطات میان‌نسلی، و هدایت معنوی انسان‌هاست. سوره لقمان را می‌توان به چهاربخش کلی تقسیم کرد:

۱. مقدمه (آیات ۱ تا ۵): معرفی کتاب حکیم و بیان ویژگی‌های مخاطبان هدایت الهی.
  ۲. تذکرات الهی (آیات ۶ تا ۱۱): هشدار به کسانی که از راه خدا منحرف می‌شوند و تأکید بر نعمت‌ها و نشانه‌های الهی.
  ۳. نصایح لقمان به فرزندش (آیات ۱۲ تا ۱۹): بخشی مرکزی و مهم از سوره که شامل آموزه‌های اخلاقی و توحیدی لقمان است.
  ۴. آیات پایانی (آیات ۲۰ تا ۳۴): اشاره به نعمت‌های الهی، هشدار درباره قیامت، و تأکید بر مسئولیت انسان در برابر اعمال خود (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۷، ص ۶؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۷۸: ج ۱۶، صص ۱۸۵ تا ۲۵۸).
- سوره با تأکید بر حکمت الهی و لزوم شکرگزاری آغاز می‌شود و لقمان به‌عنوان الگویی از حکمت معرفی می‌شود و توحید به‌عنوان محور اصلی نصایح ایشان و یکی از موضوعات کلیدی این سوره مطرح شده است. آموزه‌های اخلاقی و عملی لقمان، مانند احترام به والدین، دعوت به معروف، نهی از منکر، و اعتدال در رفتار، به تربیت معنوی و اجتماعی انسان‌ها اشاره دارد و در بخش پایانی، به روز قیامت، علم بی‌کران خداوند، و مسئولیت انسان در برابر اعمالش تأکید شده است (طباطبایی، ۱۳۵۲: ج ۱۶، ص ۲۰۸). این سوره از حیث تمرکز بر حکمت، شکرگزاری، توحید، تربیت اخلاقی، خطاب‌های پدرانه و پیوند میان نشانه‌های آفاقی و مسئولیت انسانی، برای تحلیل زبان‌شناختی و ارتباطی در چارچوب نظریه یاکوبسن نمونه‌ای مناسب به شمار می‌آید. بنابراین، برجستگی مورد نظر در این پژوهش ناظر به تناسب سوره با مسئله تحقیق است، نه برتری مطلق آن بر دیگر سوره‌های قرآن کریم.

#### پیشینه تحقیق

مطالعه زبان‌شناختی قرآن کریم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متون دینی جهان، در دهه‌های اخیر به‌طور چشمگیری گسترش یافته است. پژوهش‌های متعددی به تحلیل ساختارهای زبانی و بلاغی آیات قرآن و بررسی نحوه انتقال پیام‌های الهی به مخاطبان پرداخته‌اند. پژوهشگران از دیرباز به بررسی زیبایی‌های زبانی قرآن و نقش بلاغت آن در

تأثیرگذاری بر مخاطب پرداخته‌اند. آثاری مانند «دلائل الاعجاز» از عبدالقاهر جرجانی، به جنبه‌های بلاغی و ساختاری قرآن پرداخته‌اند. این گونه پژوهش‌ها نشان داده‌اند که موسیقی زبانی، تقارن مفهومی، و تکرار هدفمند از مهم‌ترین ابزارهای بلاغت در قرآن هستند. در مطالعات معاصر، پژوهش‌هایی به تحلیل کارکردهای زبانی قرآن پرداخته‌اند. نظریه رومن یاکوبسن به‌عنوان یکی از چارچوب‌های کاربردی در تحلیل زبان و ارتباطات، در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران متون دینی، به‌ویژه قرآن کریم، قرار گرفته است؛ شماری از پژوهش‌های متمرکز به‌شرح زیر است:

– حمیرانی و هاشمی (۱۴۰۳) در مقاله «تحلیل زبان‌شناختی سوره نازعات با تکیه بر الگوی ارتباطی رومن یاکوبسن»، برخی از زوایای سوره را با بهره‌گیری از مدل ارتباطی یاکوبسن مورد تحلیل قرار داده تا ضمن معرفی نقش‌های ارتباطی موجود، مفاهیم بنیادین نهفته را استخراج کند.

– حمیدی، قائمی نیا و اصفهانی (۱۴۰۲) در مقاله «تحلیل نشانه‌شناسی مفهوم "آیه" در قرآن با کاربست مدل ارتباطی یاکوبسن» نشان داده‌اند که بررسی کارکردهای زبانی واژه «آیه» در مصادیق گوناگون با استفاده از مدل ارتباطی یاکوبسن در نشانه‌شناسی ویژگی‌های مشترکی نظیر جنبه غیبی داشتن، تأمل و کارکرد ارجاعی مشترک را برای رمزگان اثبات می‌نماید و دو سطحی بودن (دنیوی و اخروی) نشانه‌ها را به نمایش می‌گذارد.

– پیروان، پاکتچی، اشرفی و فخاری (۱۴۰۲) در مقاله «تحلیل کارکرد همدلی نظریه زبانی یاکوبسن در سوره‌های مدنی و مکی (مطالعه موردی: جزء نخست و سی‌ام)»، با مطالعه جزء ۱ قرآن به عنوان آیات مدنی و بخش‌های مکی جزء ۳۰، به این نتیجه رسیدند که اولاً آیات دارای کارکرد همدلی در قرآن وجود دارد و ثانیاً فراوانی و تنوع این نوع کارکرد در آیات مکی بیش از آیات مدنی است.

– اقبالی (۱۴۰۱) با عنوان «کارکرد نقش‌های زبانی در تبیین مفاهیم تربیتی-اجتماعی سوره حجرات، با تکیه بر الگوی ارتباطی رومن یاکوبسن» با بهره‌گیری از الگوهای متنوع ارتباطی در القای پیام با رویکردی بر نظریه ارتباطی رومن یاکوبسن، به تبیین جلوه‌هایی از اعجاز بیانی قرآن کریم در تجسم مفاهیم تربیتی و اجتماعی پرداخته است.

– نعمتی و فعلی (۱۴۰۱) در مقاله «شیوه‌های ارتباط کلامی پیامبران (ع) در سوره مبارکه غافر بر اساس الگوی ارتباط کلامی یاکوبسن»، کلام پیامبران را در این سوره با توجه رویکرد زبان‌شناسی الگو یاکوبسن، مورد بررسی قرار داده‌اند.

– سلیمی و انصاری (۱۴۰۰) در مقاله «تمایز سوره‌های مکی و مدنی براساس نقش‌های\_ زبانی (مطالعه موردی سوره‌های مریم و طه، نور و احزاب براساس الگو ارتباطی رومن یا کوبسن)»، به بررسی نقش‌های زبانی در سوره‌های مذکور پرداخته‌اند.

مطالعات متعددی به بررسی آموزه‌های اخلاقی و تربیتی سوره لقمان پرداخته‌اند؛ برای نمونه: عابدین‌نژاد و باقری‌دادوکلائی (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی مضامین تربیتی در سوره‌ی لقمان»/ صالحی و اصلانی (۱۳۹۸) با عنوان «اصول و روش‌های تربیتی کمال جویانه در قرآن با تاکید بر سوره لقمان»، نشان داده‌اند که خطاب‌های مستقیم و نصایح پدرانه در این سوره، ابزاری مؤثر برای انتقال پیام‌های اخلاقی و معنوی است. با وجود مطالعات مرتبط، پژوهشی نظام مند که تمامی کارکردهای زبانی در این سوره را بر اساس نظریه یا کوبسن بررسی کند، تاکنون به‌طور خاص صورت نگرفته است. پژوهش حاضر با ارائه چارچوبی منسجم برای تحلیل کارکردهای زبانی این سوره، می‌کوشد تا به فهم عمیق‌تری از پیام‌های الهی و نقش زبان در انتقال آن‌ها دست یابد.

## یافته ها

### تحلیل عوامل ارتباطی در سوره لقمان

در این پژوهش، انتساب هر آیه یا فراز قرآنی به یکی از کارکردهای زبانی یا کوبسن بر پایه سه دسته شاهد انجام می‌شود: نخست، شواهد زبانی و نحوی – صرفی، مانند جمله خبری، فعل امر، نهی، ندا، ضمائر، ساخت تصغیر، تأکید و تکرار؛ دوم، شواهد معنایی، یعنی نوع دلالت آیه بر خبر، فرمان، هشدار، تعریف، تبیین یا زیبایی ادبی؛ سوم، شواهد سیاقی، یعنی جایگاه آیه در پیوند با آیات پیش و پس از خود. بر این اساس، تفسیرها منبع اصلی تعیین کارکرد نیستند، بلکه پس از استخراج شاخص‌ها از متن آیه، برای تقویت فهم معنایی و سیاقی به کار می‌روند. همچنین در مواردی که یک آیه چند کارکرد دارد، کارکرد غالب بر اساس کانون ارتباطی آیه تعیین می‌شود. اگر آیه عمدتاً درباره واقعیتی بیرونی، صفت الهی، جهان آفرینش یا فرجام اعمال خبر دهد، کارکرد ارجاعی غالب است. اگر با فعل امر، نهی، ندا یا ساخت خطابی، مخاطب را به عملی فراخواند، کارکرد ترغیبی/کنشی غالب است. اگر پیام در درجه نخست برای ایجاد یا استمرار رابطه ارتباطی به کار رود، کارکرد تماسی برجسته است. اگر خود زبان، رمز یا معنای یک واژه توضیح داده شود، کارکرد متا زبانی تحقق می‌یابد. اگر آرایش لفظی، موسیقی، تشبیه،

ایجاز یا تصویرسازی در مرکز توجه باشد، کارکرد ادبی برجسته می‌شود. بدین ترتیب، صرف ذکر یک موضوع برای انتساب کارکرد کافی نیست، بلکه باید شاخص‌های زبانی، معنایی و سیاقی آن نشان داده شود.

جدول ۱: معیار تشخیص کارکردها

| کارکرد       | عامل برجسته  | شاخص‌های تشخیص                                                              | نمونه قابل قبول در سوره لقمان                                             |
|--------------|--------------|-----------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------|
| ارجاعی       | زمینه/موضوع  | جمله خبری، توصیف واقعیت، گزاره قابل صدق و کذب، بیان صفات الهی یا نظم آفرینش | «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا»                        |
| عاطفی        | فرستنده      | واژگان عاطفی، تصغیر محبت‌آمیز، لحن دلسوزانه، ارزیابی عاطفی                  | بار عاطفی فرعی در «یا بُنَّیَّ»                                           |
| تماسی/هم‌دلی | کانال ارتباط | ندا، خطاب مستقیم، ایجاد یا حفظ رابطه گفت‌وگویی                              | «یا بُنَّیَّ» در آغاز نصایح لقمان                                         |
| متازبانی     | رمز/کد       | توضیح معنای واژه یا مفهوم، تعریف، تبیین رمز زبانی                           | «إِنَّ الشُّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» در صورت تحلیل به‌عنوان تبیین معنای شرک |
| ترغیبی/کنشی  | گیرنده       | امر، نهی، ندا، خطاب مستقیم، دعوت به عمل                                     | «أَقِمِ الصَّلَاةَ»، «لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ»                             |
| ادبی         | خود پیام     | موسیقی لفظی، تشبیه، ایجاز، تکرار، تصویرسازی                                 | «إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ»                         |

#### فرستنده:

فرستنده، کسی است که پیامی را برای گیرنده می‌فرستد؛ این پیام برای این‌که موثر باشد، باید به موضوعی اشاره کند (یاکوبسن، ۱۳۸۰: ۹۱). در سوره لقمان، فرستنده اصلی پیام خداوند متعال است. این حقیقت در سراسر قرآن کریم

و به‌ویژه در این سوره تأکید شده است که خداوند، منبع حکمت، علم و هدایت است. در ابتدای سوره، با عبارت «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ» (آیه ۲) بر حکمت الهی در ارائه این پیام تأکید می‌شود. خداوند به‌عنوان خالق آسمان‌ها، زمین، و همه موجودات زنده معرفی شده و نقش خود را به‌عنوان راهنما و داور نهایی اعمال بشری یادآور می‌شود. آیه ۱۲ به‌طور خاص به نقش خداوند در اعطای حکمت به لقمان اشاره دارد: «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ». حکمت عطاشده به لقمان، در واقع تعلیم گفتار و رفتار حکمت‌آمیز است که حقیقت آن در شکرگزاری برای خداوند متجلی می‌شود؛ زیرا عمل به آنچه عبادت خداوند است، حکمت حقیقی می‌باشد (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۳: ۲۷۹). پیوند شکرگزاری با حکمت، نشان‌دهنده جایگاه خداوند به‌عنوان منبع دانش و هدایت است. در سراسر سوره، خداوند به‌صورت مستقیم یا از طریق حکیمانی همچون لقمان، پیام‌های اخلاقی، تربیتی و معنوی را به بشر منتقل می‌کند.

### گیرنده:

نگرش مخاطب، زبان حال و یا عملکرد او را تجلی می‌دهد و یا منجر به ترغیب یا تفکری خاص می‌شود بطوری که بارزترین نمود خود را در دستور زبان به صورت ندایی و وجه امری می‌یابد (یاکوبسن، ۱۳۶۹، ج ۱: ۷۹). گیرندگان مستقیم پیام در سوره لقمان، در سطح متن، مخاطبان انسانی‌اند. این مخاطبان گاه به صورت عام، مانند «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» در آیه ۳۳، مورد خطاب قرار می‌گیرند و گاه در قالب مخاطب خاص، مانند فرزند لقمان در آیات ۱۳ تا ۱۹. بنابراین، در تحلیل ارتباطی این سوره، می‌توان از مخاطبان عام انسانی، مخاطب خاص تربیتی و مخالفان یا روی‌گردانان از هدایت سخن گفت. اگرچه پیام قرآن در سطح کلان، شأن هدایت عمومی دارد، اما در خود سوره لقمان مخاطب مستقیم و آشکار، انسان است و باید تحلیل بر همین مبنا سامان یابد. مخاطبان پیام در سوره لقمان: عموم انسان‌ها: خطاب‌های عمومی مانند «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» (آیه ۳۳) نشان‌دهنده این است که پیام الهی همه افراد بشر را هدف قرار داده است. تأکید بر دعوت به تقوا و توجه به روز قیامت، تمامی انسان‌ها را به تفکر و تدبر در اعمالشان فرا می‌خواند. او می‌داند که فردی آگاه و مطلع، اعمالش را می‌بیند و ثبت می‌کند؛ از طرفی دادگاهی عادل، برای رسیدگی به تمام جزئیات اعمالش، تشکیل خواهد شد؛ بنابراین نمی‌تواند به کمترین فساد آلوده شود (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۹۰). این تأکید، وجدان را بیدار، خودآگاهی را تقویت و انگیزه را برای انجام اعمال نیک افزایش می‌دهد.

**مخاطبان خاص** (لقمان و فرزندش): بخشی از پیام‌های این سوره به‌طور مستقیم در قالب نصایح لقمان به فرزندش ارائه شده است (آیات ۱۲ تا ۱۹). این نصایح شامل اصول اخلاقی و دینی مانند توحید، شکرگزاری، اقامه نماز، امر به معروف و نهی از منکر، و احترام به والدین است (طوسی، بی‌تا، ج ۸: ۲۷۴-۲۸۱). این بخش‌ها علاوه بر فرزند لقمان، الگویی برای تمامی والدین و فرزندان فراهم می‌کنند.

**مخالفان و مجادله‌گران:** در آیات ۶ و ۷، به کسانی که از هدایت الهی روی‌گردان هستند یا در برابر آیات الهی استکبار می‌ورزند، اشاره شده است. این مخاطبان نیز در زمره گیرندگان پیام قرار دارند و به عواقب رفتار خود هشدار داده می‌شوند. آن‌ها نه فقط به خاطر منافع مادی و هوس‌هایشان از آیات الهی روی برمی‌تابند، بلکه انگیزه‌ی متکبرانه‌ای دارند که این تکبر در برابر خدا و آیات او از بزرگ‌ترین گناهان است. به کار بردن تعبیر «مژده» برای آتش و عذاب، نوعی ریشخند متکبرانی است که آیات الهی را ریشخند می‌کردند (ر.ک: رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: صص ۱۹۷-۲۰۰).

#### پیام:

تعیین انواع پیام کلامی برای پایه تحقق می‌یابد که هر پیام از چه جایگاهی در سلسله مراتب این نقش‌ها برخوردار است (یاکوبسن، ۱۳۸۰: ۹۳). پیام اصلی سوره لقمان در چند محور مهم متمرکز است که می‌توان آن را به‌عنوان فراخوان الهی برای زندگی حکیمانه، اخلاقی، و معنادار توصیف کرد:

**توحید و شکرگزاری:** پیام توحیدی سوره بارزترین بخش آن است. لقمان در نصیحت به فرزندش می‌گوید: «يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (آیه ۱۳) نزد خداوند هیچ گناهی بالاتر از شرک به او وجود ندارد، چراکه خداوند زنده‌کننده و میراننده، آفریننده و روزی‌دهنده است. اگر کسی را به جای او شریک بدانی، نعمت‌ها را برای غیر صاحب حقیقی آن قرار داده‌ای، و این از بزرگ‌ترین ستم‌هاست (ر.ک: طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۵: ۱۳۵). این پیام به مخاطبان یادآور می‌شود که یکتاپرستی، بنیان اساسی دین است.

**حکمت و تربیت اخلاقی:** نصایح لقمان به فرزندش شامل اصولی مانند احترام به والدین (آیات ۱۴ و ۱۵)، رعایت اعتدال در رفتار (آیه ۱۹)، و اجتناب از تکبر (آیه ۱۸) است. این نصایح، الگویی عملی برای زندگی مبتنی بر حکمت ارائه می‌دهد.

**توجه به نعمت‌ها و آیات الهی:** در آیات متعدد (مانند آیه ۱۰، ۲۰، ۲۹، ۳۱)، به نعمت‌های خداوند در آفرینش اشاره شده است. از خلقت آسمان‌ها و زمین و مسخرکردن آنچه که درون آن وجود دارد، تا داخل شدن شب در روز و روز در شب، ماه و خورشید و کشتی‌ها روی دریا که در جریان هستند؛ همه از جمله آن‌هاست و از انسان‌ها خواسته شده است تا به این نعمت‌ها تفکر کنند و سپاسگزار باشند (ر.ک: طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۴۱۷-۴۲۷-۴۳۶-۴۳۸).

**یادآوری قیامت و مسئولیت انسانی:** پیام دیگری که در آیات پایانی سوره تأکید می‌شود، مسئولیت انسان در برابر اعمالش و یادآوری علم بی‌کران خداوند نسبت به آینده است: «إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ» (آیه ۳۴) و جز خدا، کسی ساعت یعنی روز قیامت را نمی‌داند. هیچ‌کس نمی‌داند فردا چه بدست او می‌آید و او آگاه به تمام این امور است، بنابراین انسان نسبت به عمل و تصمیم خود مسئول است که چگونه رفتاری دارد (ر.ک: خسروانی، ۱۳۹۰، ج ۶: ۴۸۹).

#### زمینه

ارتباط نیازمند به زمینه یا مدلولی است که کلامی باشد یا بتوان آن را بیان کرد و مخاطب قادر باشد آن را به روشنی دریابد (یاکوبسن، ۱۳۶۹، ج ۱: ص ۷۷). زمینه یا بافت ارتباطی یکی از عوامل اساسی در نظریه یاکوبسن است که به شرایط محیطی، فرهنگی، تاریخی، و دینی که پیام در آن تولید و دریافت می‌شود، اشاره دارد. در سوره لقمان، زمینه ارتباطی به‌طور گسترده‌ای بر اساس ویژگی‌های زیر تبیین می‌شود:

**بافت تاریخی:** سوره لقمان در دوران مکه (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۷۶) و در زمانی نازل شده است که جامعه مشرکان مکه به شدت با مفاهیم توحید و معاد مخالفت می‌کردند (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۵۲: ۲۰۸). این سوره به چالش‌های فرهنگی و اعتقادی آن زمان پاسخ می‌دهد و تلاش می‌کند با بیان حکمت‌آمیز، پیام‌های الهی را به مخاطبان منتقل کند. تأکید بر وحدانیت خداوند و بی‌ارزش بودن شرک (آیه ۱۳) در مقابله با باورهای شرک‌آمیز جامعه قرار می‌گیرد.

**بافت فرهنگی و اجتماعی:** سوره لقمان به آموزه‌های اخلاقی و تربیتی پرداخته است که در آن ارزش‌هایی همچون شکرگزاری، احترام به والدین، و رعایت اعتدال در رفتار ترویج می‌شود. این مفاهیم در بافت اجتماعی آن زمان که بسیاری از رفتارها بر پایه جاهلیت و سنت‌های ناپسند بود، بسیار برجسته است.

**بافت دینی:** زمینه دینی این سوره بر یکتاپرستی و عبادت خداوند تأکید دارد. همچنین نصایح لقمان، با ایجاد ارتباط میان نعمت‌های الهی و مسئولیت انسان در برابر خداوند، مفاهیم شکرگزاری و پرهیز از گناه را تقویت می‌کند. بافت دینی این سوره در ارتباط مستقیم با هدایت بشر و دوری از گمراهی است (آیات ۱۲ تا ۱۹).

نمودار ۲: بافت ارتباطی سوره لقمان (آیات ۱۲ تا ۱۹) (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۵۳: ۲۱۴-۲۱۹).

|                       |                            |              |                    |                |            |                         |
|-----------------------|----------------------------|--------------|--------------------|----------------|------------|-------------------------|
| پرهیز از تکبر و تواضع | امر به معروف و نهی از منکر | پرهیز از شرک | شکرگزاری به خداوند | نیکی به والدین | اقامه نماز | توجه به علم و قدرت الهی |
|-----------------------|----------------------------|--------------|--------------------|----------------|------------|-------------------------|

## کد

کد در نظریه یاکوبسن به زبان یا نظام نشانه‌ای اشاره دارد که فرستنده و گیرنده برای انتقال و درک پیام از آن استفاده می‌کنند. هدف از آن، گفتار براساس کد متمرکز یابد و مخاطب نسبت به مشترک بودن آن اطمینان حاصل کند (یاکوبسن، ۱۳۶۹، ج ۱: ۸۱) کد در سوره لقمان شامل ویژگی‌های زیر است:

**زبان عربی فصیح:** سوره لقمان با استفاده از زبان عربی فصیح که مخاطبان آن زمان با آن آشنا بودند، پیام خود را منتقل می‌کند. این زبان نه تنها وسیله‌ای برای انتقال مفاهیم است، بلکه به دلیل ویژگی‌های بلاغی خود، تأثیر عمیقی بر مخاطبان می‌گذارد.

**بلاغت و ایجاز:** یکی از ویژگی‌های زبانی قرآن، ایجاز در عین غنا است. در سوره لقمان، از ایجاز برای بیان مفاهیم پیچیده در قالب عباراتی کوتاه و گویا استفاده شده است. به عنوان مثال، عبارت «يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (آیه ۱۳) با زبانی ساده، اما مؤثر به مهم‌ترین اصل اعتقادی، اشاره می‌کند. خداوند در این آیه حقیقت را به دو روش تأکید می‌کند، یک بار با آوردن نهی و جدا کردن علت، و بار دیگر با استفاده از «إِنَّ»، «لَمْ» و هدفی است که سراسر خیر و نیکی است (شاذلی (قطب)، ۱۴۰۸، ج ۵: ۲۷۸۸).

**تصاویر زبانی و تشبیهات:** کد زبانی سوره لقمان از تصاویر زبانی برای تقویت تأثیر پیام استفاده می‌کند. تشبیه صدای بلند به «صَوْتُ الْحَمِيرِ» (آیه ۱۹) یکی از نمونه‌های برجسته این سبک است که مفهوم ناپسندی رفتار را به شکلی ملموس بیان می‌کند. در تشبیه صوت به حمار، مبالغه شدیدی در مذمت صدای بلند است و تنبیهی بر آن‌که

از مکروهات نزد حق تعالی و تخصیص انکریت صوت به حمار با آنکه بعضی از آواز حیوانات، انکر از صوت اوست، به جهت آن که آواز او نزد عرب ضرب المثل در کراهت است (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۰: ۳۵۰).  
**تکرار هدفمند:** تکرار در این سوره ابزاری برای تأکید بر مفاهیم کلیدی است. به عنوان مثال، تأکید بر نعمت‌های الهی و مسئولیت شکرگزاری در چندین آیه با کلمات متفاوت، اما با مفهومی یکسان بیان شده است (برای نمونه آیات ۱۰، ۱۲ تا ۱۴ و ۱۷).

### کانال

کانال ارتباطی در سوره لقمان شامل واسطه‌ای است که از طریق آن پیام از فرستنده به گیرنده منتقل می‌شود؛ یعنی مجرای جسمی و پیوند روانی که به هر دو آن‌ها (فرستنده و مخاطب)، امکان می‌دهد تا با یکدیگر ارتباط کلامی برقرار کند و آن را ادامه بدهد (یاکوبسن، ۱۳۶۹، ج ۱: ۷۷). این عنصر می‌تواند شامل زبان گفتاری، نوشتاری یا حتی رسانه‌های تصویری و صوتی باشد. در سوره لقمان، کانال ارتباطی از جنبه‌های زیر قابل بررسی است:  
**وحی:** کانال اصلی ارتباط در این سوره وحی الهی است. خداوند پیام‌های خود را از طریق جبرئیل به پیامبر اکرم (ص) منتقل کرده و این پیام‌ها به صورت قرآن به انسان‌ها عرضه شده است. در گفتمان قرآنی "وحی" همان مجرای ارتباطی، وظیفه انتقال تعالیم میان خالق و مخلوق را دارد (اقبالی، ۱۴۰۱: ۸۱).  
**قرائت و تلاوت:** قرآن کریم برای شنیدن و تلاوت طراحی شده است. کانال شفاهی، از طریق تلاوت آیات قرآن، یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتقال پیام‌های سوره لقمان بوده است. موسیقی زبانی و آهنگ دل‌نشین تلاوت، باعث تأثیرگذاری بیشتر پیام بر شنوندگان می‌شود.  
**نصایح پدرانه:** در بخشی از سوره (آیات ۱۶ تا ۱۹)، نصایح لقمان به فرزندش به عنوان یک کانال مستقیم برای انتقال حکمت و ارزش‌های اخلاقی عمل می‌کند. این کانال، با استفاده از روابط عاطفی و خطاب‌های شخصی، اثرگذاری پیام را تقویت می‌کند.

**رابطه میان نشانه‌ها و واقعیت:** سوره لقمان از پدیده‌های طبیعی به عنوان کانالی برای انتقال پیام استفاده می‌کند. آسمان، زمین، همگی به عنوان نشانه‌های الهی معرفی می‌شوند که انسان را به تأمل وادار می‌کنند. آیه ۱۰ شاهدی است که آسمان‌ها بدون ستون مرئی آفریده شده‌اند؛ اگر ستون‌ها وجود داشتند، یا به ستون‌های دیگری نیاز داشتند به تسلسل منجر می‌شد و یا زمین با سطحی محکم و استوار خلق شده است که برای کشاورزی و زیست تمام

موجودات بر روی آن مناسب باشد؛ اگر زمین از شن یا ماسه بود، قابل استفاده برای کاشت و زندگی پایدار نمی‌باشد و دائماً در حرکت بود (سبزواری، ۱۴۰۲، ج ۵: ۴۸۴). این نشانه‌ها، مخاطب را متوجه اداره حکیمانه جهان کرده‌است و بر تدبیر و قدرت الهی تاکید می‌کند.

تحلیل عوامل ارتباطی در سوره لقمان نشان می‌دهد که خداوند به‌عنوان فرستنده اصلی پیام، از طریق وحی، خطاب‌های مستقیم قرآنی و نقل نصایح حکیمانه لقمان، پیام‌هایی اعتقادی، اخلاقی و تربیتی را به مخاطبان انسانی منتقل می‌کند. پیام سوره لقمان که شامل توحید، شکرگزاری، اخلاق، توجه به نشانه‌های الهی و مسئولیت انسان در برابر اعمال است، با توجه به نوع مخاطبان، ساختاری چندلایه و اثرگذار دارد. عوامل ارتباطی زمینه، کد و کانال نیز در این سوره هماهنگ عمل می‌کنند. زمینه، بافت تاریخی، فرهنگی و دینی پیام را روشن می‌سازد؛ کد زبانی، از طریق زبان عربی فصیح، ایجاز و تصویرپردازی، انتقال معنا را تقویت می‌کند و کانال ارتباطی، از طریق وحی، تلاوت و خطاب مستقیم، پیام را به مخاطب می‌رساند. از این‌رو، انسجام این عوامل سبب می‌شود پیام‌های سوره لقمان از نظر ارتباطی قابل توجه و تحلیل‌پذیر باشند.

### تحلیل کارکردهای زبانی در سوره لقمان

پس از شناسایی عناصر ارتباطی در سوره لقمان، می‌توان کارکردهای زبانی این سوره را بر اساس نظریه یاکوبسن بررسی کرد. مقصود از کارکرد زبانی، نقشی است که زبان در فرایند انتقال پیام بر عهده می‌گیرد. در این پژوهش، انتساب هر آیه بر اساس شاخص زبانی، معنایی و سیاقی انجام می‌شود.

### کارکرد ارجاعی<sup>۱۳</sup>

کارکرد ارجاعی هنگامی برجسته می‌شود که پیام بر زمینه، موضوع یا واقعیتی بیرون از خود زبان تمرکز کند. در این کارکرد، متن غالباً در قالب جمله خبری، توصیف آفرینش، بیان صفات الهی، گزارش سرنوشت انسان یا توضیح رابطه عمل و نتیجه ظاهر می‌شود. بنابراین، ملاک ارجاعی بودن یک آیه صرفاً نام‌گذاری موضوع آن نیست، بلکه باید نشان داد که ساخت زبانی آیه، مخاطب را به واقعیتی بیرونی ارجاع می‌دهد و گزاره‌ای خبری یا توصیفی درباره آن عرضه می‌کند. (Jakobson, ۱۹۸۸: ۳۹).

<sup>13</sup> Referential Function

**اشاره به خالقیت الهی:** آیاتی مانند «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بَغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» (آیه ۱۰) «در آیه «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بَغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» کارکرد ارجاعی از چند شاخص زبانی و معنایی به دست می‌آید. از نظر زبانی، آیه با فعل ماضی «خَلَقَ» آغاز می‌شود و گزارشی خبری درباره آفرینش آسمان‌ها ارائه می‌کند. از نظر معنایی، موضوع آیه جهان آفرینش و قدرت خالقانه خداوند است. از نظر سیاقی نیز این آیه در مجموعه آیاتی قرار دارد که با اشاره به آسمان، زمین، کوه‌ها، جنبندگان و باران، مخاطب را از مشاهده نظم طبیعت به شناخت تدبیر الهی منتقل می‌کند. بنابراین، کارکرد غالب آیه ارجاعی است؛ زیرا محور پیام، توصیف واقعیتهای بیرونی و دلالت آن بر خالقیت و تدبیر خداوند است (میرمحمدی زرنندی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۲۴۶).

**بیان نشانه‌های الهی در طبیعت:** در آیات ۲۹ تا ۳۱ نیز کارکرد ارجاعی از طریق اشاره به پدیده‌هایی مانند داخل شدن شب در روز، داخل شدن روز در شب، تسخیر خورشید و ماه و حرکت کشتی‌ها در دریا تحقق می‌یابد. تعبیر «أَلَمْ تَرَ» ذهن مخاطب را به مشاهده و تأمل در واقعیتهای قابل ادراک جهان متوجه می‌کند و عبارت «لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ» نشان می‌دهد که این پدیده‌ها در مقام نشانه‌های الهی عرضه شده‌اند. تعبیر «لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» خود نشانه طبیعی نیست، بلکه ویژگی مخاطبی را بیان می‌کند که توان دریافت دلالت این نشانه‌ها را دارد: صبر در برابر دشواری‌ها و شکر در برابر نعمت تسخیر طبیعت. بنابراین، ارتباط صبر و شکر با نشانه‌های طبیعی در این است که فهم آیات آفاقی نیازمند آمادگی اخلاقی و ایمانی مخاطب است (جزایزی، ۱۴۱۶، ج ۴: ۲۱۶).

### نمودار ۳: کارکرد ارجاعی آیات ۲۹ تا ۳۱

|                         |                       |                               |                         |
|-------------------------|-----------------------|-------------------------------|-------------------------|
| ترغیب به صبر و شکرگزاری | تأکید بر هدفمندی هستی | یادآوری نعمت‌ها و شواهد طبیعی | بیان نظم و هدفمندی خلقت |
|-------------------------|-----------------------|-------------------------------|-------------------------|

**بیان عاقبت اعمال انسان:** کارکرد ارجاعی در آیات مرتبط با معاد و آخرت (مانند آیه ۳۴) آشکار می‌شود. یادآوری علم مطلق خداوند به تمامی امور، پس از سفارش به ترس از قیامت، می‌تواند به این نکته اشاره داشته باشد «که خداوند به همه چیز آگاه است و بر اساس علم خود به حساب‌رسی خواهد پرداخت. بنابراین، انسان‌ها باید برای قیامت خود، که در آن هیچ‌کس یارای کمک به دیگری ندارد، توشه‌ای فراهم کنند» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ج ۱۴/۲۶۶). این آیات با ذکر وقایع آینده و مسئولیت انسان در برابر اعمال خود، نقش هشداردهنده‌ای ایفا می‌کنند.

### کارکرد ارجاعی و تعلیلی در آیه ۱۶:

فراز «إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ» در پایان آیه ۱۶ باید در پیوند با سیاق کامل آیه تحلیل شود. آیه از آگاهی خداوند نسبت به کوچک‌ترین عمل سخن می‌گوید؛ حتی اگر آن عمل به اندازه دانه خردلی و در دل صخره یا در آسمان‌ها و زمین باشد. از نظر زبانی، عبارت «إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ» جمله‌ای اسمیه و مؤکد با «إِنَّ» است و خبری درباره صفات الهی ارائه می‌دهد. از نظر معنایی، دو صفت «لطیف» و «خبیر» علت آگاهی خداوند از امور پنهان را توضیح می‌دهند. از نظر سیاقی نیز این فراز تعلیل‌گزاره پیشین است؛ یعنی چون خداوند لطیف و خبیر است، هیچ عمل کوچک و پنهانی از علم او بیرون نمی‌ماند (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۱۰: ۱۲۳؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۸: ۲۴۸). بنابراین، کارکرد غالب این فراز ارجاعی/تعلیلی است، نه عاطفی یا تماسی.

### کارکرد عاطفی<sup>۱۴</sup>

کارکرد عاطفی در الگوی یاکوبسن زمانی برجسته می‌شود که زبان، نگرش، عاطفه یا حالت درونی فرستنده را آشکار کند. در سوره لقمان، این کارکرد به صورت محدود و فرعی، به‌ویژه در لحن نصیحت‌آمیز و محبت‌آمیز خطاب‌های لقمان به فرزندش دیده می‌شود (ر.ک: یاکوبسن، ۱۳۸۰: ۹۳)..

**لحن عاطفی در خطاب «يَا بُنَيَّ»:** در آیات ۱۳، ۱۶ و ۱۷، تعبیر «يَا بُنَيَّ» در آغاز نصایح لقمان آمده است. از نظر زبانی، این تعبیر مشتمل بر ندا و ساخت صرفی تصغیر است. تصغیر در اینجا صرفاً بر کوچکی دلالت ندارد، بلکه در بافت گفت‌وگوی پدر و فرزند، بار محبت، شفقت و دلسوزی را منتقل می‌کند. از نظر سیاقی نیز این خطاب در آغاز توصیه‌هایی مهم مانند نهی از شرک، توجه به علم الهی، اقامه نماز، امر به معروف و نهی از منکر قرار گرفته است. بنابراین، «يَا بُنَيَّ» دارای کارکرد عاطفی فرعی است؛ زیرا لحن دلسوزانه فرستنده انسانی درون روایت، یعنی لقمان، را نشان می‌دهد. با این حال، در کل آیات نصیحت، کارکرد غالب غالباً ترغیبی/کنشی است، زیرا آیات با امر و نهی مخاطب را به عمل یا ترک عمل فرا می‌خوانند. (جعفری، ۱۳۹۸، ج ۸: ۳۸۳).

**هشدار و لحن اندازی:** برخی تعبیرهای سوره، مانند «فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» در آیه ۷، از جهت لحن اندازی و ایجاد تنبه در مخاطب، واجد اثر عاطفی‌اند. با این حال، باید توجه داشت که اثرگذاری بر مخاطب به‌تنهایی برای عاطفی

Emotive Function<sup>14</sup>

دانستن کارکرد کافی نیست؛ زیرا در الگوی یاکوبسن، کارکرد عاطفی به فرستنده مربوط است. از این رو، این گونه تعبیر را می توان از جهت لحن و شدت هشدار، دارای جنبه عاطفی دانست، اما کارکرد غالب آن ها در بسیاری موارد ترغیبی یا ارجاعی - هشداردهنده است. (شبر، بی تا: ج ۱، ۳۹۱)

### کارکرد هم دلی<sup>۱۵</sup>

کارکرد تماسی یا هم دلی در نظریه یاکوبسن به ایجاد، حفظ یا تقویت کانال ارتباط میان فرستنده و گیرنده مربوط است. این کارکرد زمانی برجسته می شود که زبان، پیش از انتقال یا در کنار انتقال محتوای اصلی، رابطه ارتباطی را برقرار یا استمرار آن را تقویت کند (Selden, ۱۹۹۳:۷؛ Jakobson, ۱۹۸۸:۳۰). بنابراین، هر نوع تکرار، مثال پردازی یا توضیح معنایی را نمی توان هم دلی دانست؛ بلکه باید نشان داد که ساخت زبانی آیه در خدمت ایجاد یا حفظ ارتباط میان گوینده و مخاطب است.

**خطاب مستقیم در گفت و گوی لقمان و فرزند:** تکرار خطاب «يَا بُنَيَّ» در آیات ۱۳، ۱۶ و ۱۷، افزون بر بار عاطفی، کارکرد تماسی نیز دارد؛ زیرا ارتباط مستقیم میان گوینده و مخاطب را برقرار و استمرار گفت و گوی تربیتی را تضمین می کند. این خطاب سبب می شود مخاطب خود را طرف گفت و گویی نزدیک، صمیمانه و مورد توجه ببیند و آمادگی بیشتری برای دریافت پیام پیدا کند. بنابراین، «يَا بُنَيَّ» نمونه ای روشن از هم پوشانی کارکرد عاطفی و تماسی است: از یک سو لحن دلسوزانه دارد و از سوی دیگر کانال ارتباط تربیتی میان پدر و فرزند را فعال نگه می دارد.

### کارکرد متا زبانی (فرا زبانی)<sup>۱۶</sup>

کارکرد متا زبانی زمانی تحقق می یابد که پیام به توضیح رمز زبانی، معنای واژه یا روشن سازی مفهوم به کاررفته در خود زبان پردازد. بنابراین، هر نوع دستور اخلاقی، گزاره خبری، تشبیه یا بیان رابطه علت و معلول را نمی توان متا زبانی دانست. در سوره لقمان، کارکرد متا زبانی گسترده نیست و باید با احتیاط و تنها در مواردی مطرح شود که متن به تبیین معنای یک مفهوم می پردازد. (یاکوبسن و سایرین، ۱۳۹۴: ۷۶). بر اساس این معیار، عباراتی مانند «وَأَقْصِدْ

<sup>15</sup> Phatic Function

<sup>16</sup> Metalingual Function

فِي مَشِيكَ»، «وَاعْظُضْ مِنْ صَوْتِكَ»، «إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ» یا «وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ...» متا‌زبانی نیستند؛ زیرا به توضیح رمز زبانی یا معنای واژه نمی‌پردازند. اولی و دومی مصداق کارکرد ترغیبی/کنشی‌اند، سومی کارکرد ارجاعی/تعلیلی دارد و چهارمی بیشتر در حوزه ارجاعی و ادبی/تمثیلی قابل بررسی است.

**تبیین معنای شرک در آیه ۱۳:** در آیه «يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»، بخش نخست آیه با نهی «لَا تُشْرِكْ» مخاطب را از شرک بازمی‌دارد؛ از این رو کارکرد غالب آن ترغیبی/کنشی است. اما جمله «إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» در ادامه، ماهیت شرک را توضیح می‌دهد و آن را ذیل مفهوم «ظلم عظیم» معنا می‌کند. از این جهت، این جمله افزون بر نقش تعلیلی و ارجاعی، می‌تواند واجد جنبه‌ای متا‌زبانی باشد؛ زیرا معنای شرک را برای مخاطب روشن‌تر می‌سازد. با این حال، این کارکرد فرعی است و نباید کل آیه را متا‌زبانی دانست (رک: صادقی‌تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۲۳: ۲۲۱).

#### کارکرد ترغیبی/کنشی<sup>۱۷</sup>

کارکرد ترغیبی/کنشی، که در برخی ترجمه‌ها از آن با عنوان کارکرد دستوری نیز یاد شده است، زمانی برجسته می‌شود که زبان مستقیماً به سوی گیرنده جهت‌گیری کند و او را به انجام یا ترک عملی فراخواند. شاخص‌های اصلی این کارکرد در سوره لقمان عبارت‌اند از: فعل امر، فعل نهی، ندا، خطاب مستقیم و ساخت‌های دعوت‌کننده به عمل است (رک: یاکوبسن، ۱۳۸۰: ۹۳).

**نهی از شرک:** در آیه «يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»، کارکرد غالب ترغیبی/کنشی است؛ زیرا فعل نهی «لَا تُشْرِكْ» مستقیماً مخاطب را از رفتاری اعتقادی بازمی‌دارد. خطاب «يَا بُنَيَّ» کارکرد عاطفی و تماسی فرعی دارد و جمله «إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» نقش تعلیلی و ارجاعی ایفا می‌کند. بنابراین، آیه نمونه‌ای از هم‌زمانی چند کارکرد است، اما به دلیل محوریت نهی، کارکرد غالب آن ترغیبی/کنشی است (رک: ابن‌قیم جوزی، ۱۴۲۷، ج ۲: ۳۱۹).

**توصیه به شکرگزاری:** آیات مربوط به شکرگزاری، مانند «أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ» و «أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ»، بیش از آنکه عاطفی باشند، دارای کارکرد ترغیبی/کنشی‌اند. شاخص اصلی این کارکرد، فعل امر «اشْكُرْ» است که مخاطب را به

<sup>17</sup> Conative Function

انجام عملی مشخص فرا می‌خواند. در کنار آن، گزاره‌هایی مانند «وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ» و «إِلَى الْمَصِيرِ» کارکرد ارجاعی فرعی دارند؛ زیرا رابطه میان شکر، سود آن برای انسان و بازگشت نهایی به سوی خداوند را بیان می‌کنند (ر.ک: صادقی‌تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۲۳: ۲۱۹؛ طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۸: ۴۹۳). این امر پیوندی بین شکرگزاری و بهره‌مندی از نعمات الهی ایجاد می‌کند.

**فرمان‌های اخلاقی و دینی در آیه ۱۷:** «يَا بَنِي إِدْرِيسَ اصْبِرُوا وَاصْبِرُوا لِمَا آصَابَكُمْ» نمونه روشن کارکرد ترغیبی/کنشی است. از نظر زبانی، افعال امر «أَقِمَّ»، «أَمُرَّ»، «أَنَّهُ» و «اصْبِرُوا» به صورت مستقیم مخاطب را به انجام تکالیف عبادی، اجتماعی و اخلاقی فرا می‌خوانند. از نظر معنایی، آیه مجموعه‌ای از وظایف عملی را بیان می‌کند: اقامه نماز، دعوت به معروف، بازداشتن از منکر و صبر در برابر دشواری‌ها. از نظر سیاقی، این آیه در ادامه نصایح لقمان آمده و پس از تثبیت بنیان توحیدی، مخاطب را به عمل دینی و اخلاقی هدایت می‌کند. بنابراین، قرار دادن این آیه در بخش ارجاعی دقیق نیست و باید ذیل کارکرد ترغیبی/کنشی تحلیل شود (ر.ک: حوی، ۱۴۲۴، ج ۸: ۴۳۱۹).

**اعتدال در رفتار و گفتار:** در آیه «وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ»، دو فعل امر «أَقْصِدْ» و «اعْضُضْ» مخاطب را به اعتدال در راه رفتن و کنترل صدا فرا می‌خوانند. بنابراین، کارکرد غالب این فراز ترغیبی/کنشی است، نه متازبانی. در ادامه آیه، عبارت «إِنَّ أَكْرَأَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ» از طریق تشبیه و تصویرسازی، کارکرد ادبی فرعی نیز دارد و زشتی بلند کردن صدا را به شکلی محسوس و اثرگذار نشان می‌دهد (ر.ک: محلی، ۱۴۱۶: ۴۱۶ و ۴۱۷).

### کارکرد ادبی<sup>۱۸</sup>

کارکرد ادبی بر جنبه‌های زیبایی‌شناسی زبان و تأثیرگذاری هنری آن تأکید دارد. هدف این نقش آفرینش زیبایی و ایجاد لذت در مخاطب، القای موثر پیام و یا هردو این‌ها می‌باشد (ر.ک: یاکوبسن، ۱۳۸۶: ۴۱). در سوره لقمان، این کارکرد از طریق آرایه‌های ادبی، موسیقی زبانی، و ساختار متقارن پیام‌ها برجسته است.

<sup>18</sup> Poetic Function

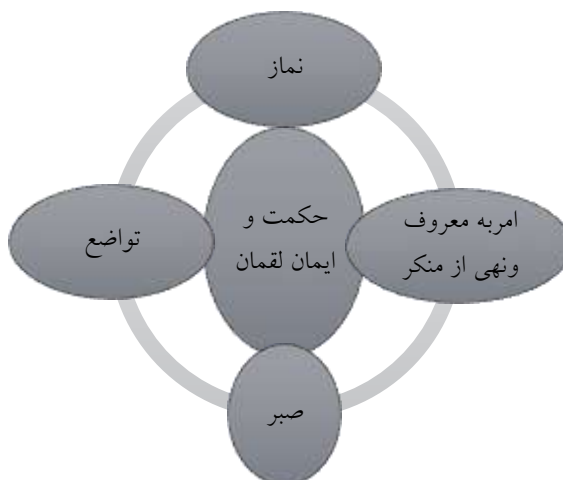
استفاده از موسیقی زبانی: انتخاب واژگان و ترکیب آن‌ها به گونه‌ای است که موسیقی درونی آیات به گوش شنونده نفوذ می‌کند. مثال‌هایی مانند «وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْظُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ» (آیه ۱۹) که موسیقی آن شامل حرف (ص) در کنار حروف (س) و (ش) می‌باشد؛ (ص) صدای سوت ماندنی است که به آن صفیر گفته می‌شود که در هنگام تلفظ آن‌ها هوا از لابلای دندان‌ها خارج می‌شود (موسوی‌یلده، ۱۳۹۲: ۷۴؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۴۲۵) و همچنین ترکیب واژه (صوت) که سه بار تکرار شده‌است نیز این جنبه موسیقایی را تقویت می‌کنند.

**تکرار هدفمند:** تکرار واژگان و عبارات نظیر «إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ» (آیه ۱۶) و «إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (آیه ۳۴) تأثیری ادبی و معنایی مضاعف ایجاد می‌کند. آیات به خوبی اشاره دارند که «خداوند بر آنچه آشکار و پنهان، آگاه است و بدون جهل و هیچ غفلتی، نیازهای همه موجودات را می‌داند» (صادقی‌تهرانی، ۱۳۷۷، ج ۱: ص ۴۱۴). این تکرارها مفاهیم اصلی سوره را در ذهن مخاطب تثبیت می‌کنند.

**تصاویر بلاغی:** استفاده از تشبیهات زیبا مانند «إِنَّ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ» (آیه ۱۶) یا «إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ» (آیه ۱۹) تصاویر بصری و احساسی قوی‌ای ایجاد کرده و تأثیر پیام را افزایش می‌دهند. عبارت «مِثْقَالَ حَبَّةٍ» به دو صورت منصوب و مرفوع قرائت شده‌است و تأکید می‌کند که خداوند از کوچک‌ترین اعمال آگاه است و آن‌ها در عدل الهی محاسبه خواهند شد. همچنین در تشبیه، صدای حمار (خرها) را به عنوان زشت‌ترین صداها معرفی می‌کند (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳: ۴۹۵ و ۴۹۷). بنابراین، نه تنها رفتار ناپسند بلندکردن صدا را تقبیح می‌کند، بلکه آن را به گونه‌ای بیان می‌کند که احساس نفرت از این رفتار در مخاطب ایجاد شود. این تشبیه با تصویرسازی قوی، تأثیر اخلاقی عمیقی دارد.

**تقارن و انسجام ساختاری:** تقارن در موضوعات و ساختار آیات، نوعی هماهنگی و زیبایی‌شناسی در متن ایجاد می‌کند. مثلاً توصیه به رفتار نیکو و پرهیز از اعمال ناپسند در آیات متوالی (آیات ۱۷ و ۱۸) نشان‌دهنده انسجام معنایی است (ر.ک: مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۶: ۱۶۳).

#### نمودار ۴: انسجام ساختاری آیات ۱۷ و ۱۸



**کوتاهی و ایجاز:** آیات با استفاده از ایجاز، مفاهیم عمیقی را با حداقل واژگان بیان می‌کنند. به عنوان نمونه در آیه ۱۴، مفاهیم عمیق اخلاقی، عاطفی و اعتقادی را منتقل می‌کند. اشاره به زحمات پدر و مادر در قالب عبارات کوتاه، با بیان «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنًا عَلٰی وَهْنٍ»: «مادرش با ضعف مضاعف او را حمل کرده‌است» (برزی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۴۱۲). بدون ورود به جزئیات، عظمت مشکلات مادر در دوران بارداری و زایمان و در ادامه نقش شیردهی تا دوسالگی را به تصویر می‌کشد؛ همچنین پیام نهایی در قالب ایجاز «إِلٰی الْمَصِيرُ» به اختصار یادآوری می‌کند که بازگشت به سوی خداست (همان) و این امر هم دلیل شکرگزاری به خداوند است، هم تشویق انسان برای عمل به وظایف اخلاقی خود می‌باشد. این ویژگی ادبی ضمن جذابیت متن، توجه مخاطب را به عمق پیام معطوف می‌کند.

#### نتیجه‌گیری

در این مقاله، کارکردهای زبانی سوره لقمان بر اساس نظریه ارتباطی رومن یاکوبسن بررسی شد. نتایج نشان داد که این سوره، از حیث تنوع خطاب‌ها، گزاره‌های خبری، امر و نهی‌های اخلاقی، تصاویر ادبی و ساختار گفت‌وگویی، ظرفیت قابل توجهی برای تحلیل ارتباطی دارد. البته الگوی یاکوبسن در این پژوهش نه به عنوان نظریه‌ای جامع برای تفسیر همه ابعاد سوره، بلکه به عنوان ابزاری زبان‌شناختی برای بررسی نسبت میان عوامل ارتباطی و کارکردهای زبان به کار گرفته شد.

بر اساس تحلیل انجام شده، کارکرد ارجاعی در آیاتی برجسته است که به آفرینش، صفات الهی، نشانه‌های طبیعت، علم خداوند و فرجام اعمال انسان اشاره دارند. کارکرد ترغیبی/کنشی در آیات مشتمل بر امر و نهی، مانند نهی از شرک، اقامه نماز، امر به معروف، نهی از منکر، شکرگزاری، صبر، اعتدال در رفتار و کنترل صدا نمود آشکاری دارد. کارکرد عاطفی و تماسی بیشتر در خطاب‌های صمیمانه «يَا بُنَيَّ» دیده می‌شود؛ زیرا این تعبیر هم لحن محبت‌آمیز و دلسوزانه را نشان می‌دهد و هم پیوند ارتباطی میان لقمان و فرزندش را تقویت می‌کند. کارکرد ادبی نیز از طریق ایجاز، تکرار، موسیقی لفظی، تشبیه و تصویرسازی، به‌ویژه در تشبیه صدای بلند به «صوت الحمير»، برجسته می‌شود. کارکرد متا‌زبانی در این سوره محدودتر است و تنها در مواردی قابل طرح است که آیه به تبیین معنای مفهومی مانند شرک می‌پردازد.

بنابراین، سوره لقمان را می‌توان نمونه‌ای مناسب برای نشان دادن هم‌نشینی کارکردهای ارجاعی، ترغیبی/کنشی، عاطفی، تماسی و ادبی در متن دینی دانست. این تحلیل نشان می‌دهد که فهم کارکردهای زبانی آیات زمانی دقیق‌تر خواهد بود که انتساب هر کارکرد بر پایه شواهد زبانی، معنایی و سیاقی انجام گیرد و میان کارکرد غالب و کارکردهای فرعی تفکیک شود.

## منابع

### قرآن کریم

۱. ابن قیم جوزی، محمد بن ابی بکر. (۱۴۲۷ق). *بدائع التفسیر الجامع لما فسرہ الامام ابن قیم جوزیه*. ریاض: دار ابن جوزی.
۲. اقبالی، مسعود. (۱۴۰۱). «کارکرد نقش‌های زبانی در تبیین مفاهیم تربیتی-اجتماعی سوره حجرات، با تکیه بر الگوی ارتباطی رومن یاکوبسن». *پژوهش‌های ادبی - قرآنی*. ۱۰ (۲). صفحات ۷۷-۹۲.
۳. باطنی، محمدرضا. (۱۳۷۰ش). *درباره زبان*. تهران: آگاه.
۴. برزی، اصغر. (۱۳۸۲ش). *ترجمه قرآن و نکات نحوی آن*. تهران: بنیاد قرآن.
۵. پیروان، مریم؛ پاکتچی، احمد؛ اشرفی، عباس و فخاری، علی‌رضا. (۱۴۰۲ش). «تحلیل کارکرد همدلی نظریه زبانی یاکوبسن در سوره‌های مدنی و مکی (مطالعه موردی: جزء نخست و سی‌ام)». *مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی*. ۷ (۴). صص ۲۹-۵۳.
۶. جزایزی، ابوبکر جابر. (۱۴۱۶ق). *ایسرالتفاسیر لکلام العلی الکبیر*. عربستان: مکتبه العلوم و الحکم.

۷. جعفری، یعقوب. (۱۳۹۸ش). *تفسیر کوثر*. قم: هجرت.
۸. حسینی همدانی، محمد. (۱۴۰۴ق). *انوار درخشان در تفسیر قرآن*. تهران: لطفی.
۹. حمیدی، شیما؛ قائمی‌نیا، علی‌رضا و رضایی‌اصفهانی، محمدعلی. (۱۴۰۲ش). «تحلیل نشانه‌شناسی مفهوم "آیه" در قرآن با کاربست مدل ارتباطی یاکوبسن». *پژوهشنامه معارف قرآن*. ۵۲/۱۴. صص ۲۹-۶۰.
۱۰. حمیرانی، منصور و هاشمی، سید محمدشریف. (۱۴۰۳ق). «تحلیل زبان‌شناختی سوره نازعات با تکیه بر الگوی ارتباطی رومن یاکوبسن». *قرآنیکا*. (۱). صص ۸۱-۱۰۹.
۱۱. حوی. سعید. (۱۴۲۴ق). *الاساس فی التفسیر*. قاهره: دارالسلام.
۱۲. خطیب، عبدالکریم. (۱۴۲۴ق). *التفسیر القرآنی للقرآن*. قاهره: دار الفکر العربی.
۱۳. خطیب شربینی، محمد بن احمد. (۱۴۲۵ق). *سراج‌المنیر*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۴. رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۷ش). *تفسیر قرآن مهر*. قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۱۵. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). *الکشاف*. بیروت: دارالکتب العربی.
۱۶. سبزواری، محمد. (۱۴۰۲ق). *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۱۷. سلیمی، زهرا و انصاری، نرگس. (۱۴۰۰). «تمایز سوره‌های مکی و مدنی براساس نقش‌های زبانی» *مطالعه موردی سوره‌های مریم و طه، نور و احزاب براساس الگو ارتباطی رومن یاکوبسن*. *پژوهش‌های ادبی قرآنی*. ۲/۹. صص ۹۷-۱۲۹.
۱۸. سیوطی، عبد الرحمن بن ابی‌بکر جلال الدین. (۱۹۷۴م). *الاتقان فی علوم القرآن*. محمد ابوالفضل ابراهیم. مصر: الهیئه المصر العامه للكتاب.
۱۹. شاه‌عبدالعظیمی، حسین. (۱۳۶۳ش). *تفسیر اثنی عشری*. تهران: میقات.
۲۰. شبیر، عبدالله. (بی‌تا). *تفسیر القرآن الکریم*. قم: موسسه دارالهجره.
۲۱. صادقی‌تهرانی، محمد. (۱۳۷۷ش). *البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن*. قم: مکتبه محمد الصادقی الطهرانی.
۲۲. صادقی‌تهرانی، محمد. (۱۴۰۶ق). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه*. چاپ دوم. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۳. صالحی، اکبر و اصلانی، یاسر. (۱۳۹۸ش). «اصول و روش‌های تربیتی کمال‌جویانه در قرآن با تاکید بر سوره لقمان». *پژوهش‌های قرآنی*. ۹۳. صفحات ۵-۲۰.
۲۴. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۵۲ش). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۵. طبرانی، سلیمان بن احمد. (۲۰۰۸م). *التفسیر الکبیر (طبرانی)*. اردن: دار الكتاب الثقافی.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۸ق). *مجمع‌البیان*. بیروت: دارالمعرفه.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۲ق). *جوامع‌الجوامع*. ابوالقاسم گرجی. قم: حوزه علمیه قم-مرکز مدیریت.

۲۸. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. احمد حبیب عاملی. بیروت: لبنان.
۲۹. طیب، عبدالحسین. (۱۳۷۸ ش). *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: اسلام.
۳۰. عابدین نژاد، زهرا و باقری دادوکلائی، محمد. (۱۴۰۰ ش). «بررسی مضامین تربیتی در سوره ی لقمان». *مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی*. (۴۱). صفحات ۱۰۱-۱۰۹.
۳۱. قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۷ ش). *تفسیر احسن الحدیث*. تهران: بنیاد بعثت- مرکز چاپ و نشر.
۳۲. شاذلی (قطب)، سید ابراهیم حسین. (۱۴۰۸ ق). *فی ظلال القرآن*. بیروت: دارالشروق.
۳۳. مجلسی، محمد باقر. (۱۳۶۲ ش). *بحار الانوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۴. محلی، محمد بن احمد جلال الدین. (۱۴۱۶ ق). *تفسیر جلالین*. بیروت: موسسه النور للمطبوعات.
۳۵. مدرسی، محمد تقی. (۱۳۷۷ ش). *تفسیر هدایت*. مشهد: آستان قدس رضوی- بنیاد پژوهش های اسلامی.
۳۶. مشکینی اردبیلی، علی. (۱۳۹۲ ش). *تفسیر روان*. قم: دارالحدیث.
۳۷. معرفت، محمد هادی. (۱۳۸۸ ش). *التمهید فی علوم القرآن*. قم: موسسه انتشاراتی التمهید.
۳۸. مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۴ ق). *التفسیر الکاشف*. ایران: دارالکتاب الاسلامی.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ ش). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۰. موسوی بلده، سید محسن. (۱۳۹۲ ش). *حلیه القرآن*. تهران: انتشارات تلاوت و انتشارات کاتبان وحی.
۴۱. میر محمدی زرنندی، ابوالفضل. (۱۳۸۹ ش). *تفسیر بلاغ*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی- شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۴۲. نعمتی، فاروق و فعلی، فعلی. (۱۴۰۱ ش). «شیوه های ارتباط کلامی پیامبران (ع) در سوره مبارکه غافر بر اساس الگوی ارتباط کلامی یاکوبسن». *مطالعات سبک شناختی قرآن کریم*. ۶ (۲). صص ۱۶۶-۱۸۷.
۴۳. هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۸۶ ش). *تفسیر راهنما*. قم: موسسه بوستان کتاب.
۴۴. یاکوبسن، رومن. (۱۳۶۹ ش). *دوقطب استعاری و مجازی*. ترجمه احمد اخوت. اصفهان: نشر مشعل.
۴۵. یاکوبسن، رومن. (۱۳۸۰ ش). *ساخت گرایی، پساساختارگرایی و مطالعات ادبی*. ترجمه فرزانه سجودی و همکاران. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری.
۴۶. یاکوبسن، رومن. (۱۳۸۶). *روند بینادین در دانش زبان*. ترجمه کورش صفوی. تهران: هرمس.
۴۷. یاکوبسن، رومن و دیگران. (۱۳۹۴ ش). *زبان شناسی و نقد ادبی*. ترجمه مریم خوزان و حسین پاینده. تهران: نی.

1. Jakobson, R. (1988). Poetry issues. Translated by: M. Wali & M. Hanoun. Maghreb: Dar Toubkal. (In Arabic).
2. Selden, R., & Widdowson, P. (2017). *A Reader's Guide to Contemporary Literary Theory*. Translated by: A. Mokhber. Tehran: Ban Publishing House. (In persian)